مدیریت شهری
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017
۴۷۵-۴۹۲
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۸/۱۲ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۲/۵

شناسایی مولفه های موثر در شکل گیری رویدادهای زندگی بخش و چگونگی تبلور آنها در فضای زیسته

فاطمه امیریان - دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
هما ایرانی بهبهانی* -استادتمام دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
حسین سلطان زاده- دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

چکیده
معمـاری بـه عنـوان هنـری کاربـردی، در ارتبـاط بـا زندگی مـردم بوده و در پاسـخ بـه نیازها، خواسـته ها، آرزوهـا و رویاهـای مـردم تحقـق می یابـد. بـا ایـن وجود، ضـرورت ایجـاد حیات و زندگـی در فضـا بـه واسـطه رویدادهـای جـاری در فضـا، در رونـد طراحـی معمـاری اغلـب به دسـت فراموشـی سـپرده می شـود، چـرا که عوامـل شـکل دهنده بـه آن، پنهان و در بسـیاری مـوارد غیرفیزیکـی بـوده و در سـطوح و لایه-هـای مختلفـی مطـرح می گـردد و ایـن موضوع، مسـئله اصلـی ایـن پژوهـش اسـت. بـه همیـن دلیـل، هـدف ایـن پژوهـش شناسـایی مولفه-هـای موثـر در شـکل گیری رویدادهایـی اسـت کـه می تواننـد بـه عنوان عاملـی تأثیرگـذار در زندگی بخشـی بـه فضـای زیسـته عمـل نماینـد، امـری کـه می تواند در فهـم فضـای معماری بـه مثابـه محیـط انسـانی موثـر واقع شـده و ابعـاد جدیدی از فضـا را ارائـه نماید. سـوال اصلی پژوهـش آن اسـت کـه رویدادهـای زندگی بخـش چگونـه رویدادهایی بـوده و مولفه هـای موثر در شـکل گیری آن هـا چـه هسـتند؟ در همیـن راسـتا، ایـن پژوهـش بـا روش تحقیـق کیفی، بـه مطالعـه و بررسـی آراء نظریه پـردازان حوزه هـای مختلـف در مـورد رویـداد و ارتبـاط آن با فضـا، مـکان، زمـان و حرکت پرداختـه و همزمان با مطالعـه کتابخانه ای- اسـنادی، با حضور در متـن رویدادهـای مختلـف، سـطوح متفـاوت تبلور حیـات در فضا را مورد شناسـایی قـرار داده اسـت. نتایـج تحقیـق حاکـی از وجـود سـه سـطح از مولفه هـای زندگی بخـش، تحـت عنـوان: ۱- ویژگی هـا دربردارنـده ی، وابسـتگی بـه رونـد طبیعـی زندگـی روزمـره و آزادیِ فضاییِ آن، تنـوع، اتمسـفر تأثیرگـذار، شـکل دهنده بـه زنجیـره ای از کنش هـا و معانـی سـازمان یافته در یـک کل، تداعی هـا و نمادهـا، بـه مثابـه جزیـی از جامعـه؛ ۲- قابلیت هـا شـامل دربرگیرندگی و هم افزایـی، انسجام بخشـی، رشـد و مکان سـازی و در نهایـت ۳- فراهـم آوردن امکان هـایِ حضـور فعـال گروه هـای اجتماعی و سـنی مختلـف و برقراری تعامـلات اجتماعی میـان آن ها، حضـور فعالانـه ی بـدن و کالبـد انسـانی به عنوان واسـط میان دنیـای ذهنی و عینی، اسـتفاده فعالانـه از عنصـر حرکـت برای شـکل دهی به فضـا، ادراک حسـی و ادراک چندوجهی اسـت؛ و در صـورت تعریـف رویدادهـای متناسـب بـا این سـطوح، می تـوان رویدادهایی زندگی بخشـی را تعریـف نمـود کـه نـه تنهـا خـود دارای مراتـب متنوعـی از حیـات هسـتند، بلکـه قـادر بـه زندگی بخشـی، تعریـف و در مرحلـه ای بالاتـر تولیـد فضای زیسـته خواهنـد بود.

واژگان کلیدی: رویداد های زندگی بخش، فضای زیسته، مراتب حیات.

Identification of factors in the formation of life events and the manifestation of their living space

Abstract
Architecture as applied art is in relation to people's lives and is realized in response to their needs, desires, wishes and dreams. However, the issue of life creation in space is often forgotten in the process of architectural design, because the elements shaping it are mostly hidden, non-physical and are discussed in various levels and layers. Due to this reason, the purpose of this research seeks to identify effective components in formation of events that can act as effective factors in giving life to the lived space, which can be useful in understanding the architectural space as the effective human environment and presents new dimensions of space. The main question of this research is, what events are considered life-giving events and what are the efficient factors in formation of them. The results show that there are three levels of life-giving components, entitled: (1)Features include dependence on natural process of everyday life and its spatial freedom, diversity, impressive atmosphere, forming a chain of actions and meanings organized in a whole, associations and symbols, as a part of the society; (2)Capabilities include inclusiveness and synergies, integrating, growth and place making and ultimately;(3)Providing active participation of different social and age groups and social interactions among them, the active physical presence of the human as an interface between subjective and objective worlds, active use of movement element for shaping space, sensory perception and multifaceted perception.

Key words: life-giving events, lived space, the levels of life

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۶۳۵۶۷۸۳ ؛ رایانامه: Fateme.amirian@gmail.com

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده ی اول، تحت عنوان «نقش شبکه پنهان رویدادهای فرهنگی زندگی بخش در شکل-گیری فضای زیسته» است که در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تحت راهنمایی سرکار خانم دکتر هما ایرانی بهبهانی و تحت مشاوره جناب آقای دکتر حسین سلطان زاده در حال انجام است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-08]

مقدمه

معمـاری هنـری فضایـی- زمانی اسـت و به عنـوان ظرف فضایـی و پـس زمینـه امـور و رخدادهای جـاری زندگی، بیـش از هر چیز در ارتباط مسـتقیم با زندگـی مردم قرار داشـته و بخشـی جدایی ناپذیـر از آن را شـکل می دهـد. هـر فـرد در طـول زندگـی خـود، گهـگاه در محیط هایی حضـور یافتـه، کـه بـا وجـود سـاختار فیزیکـی ابتدایـی، دارای نـوع خاصـی از سـرزندگی، روح و انـرژی بـوده کـه وی را احاطـه کـرده و تحت تأثیر قرار اسـت. یعنی چیزی فراتـر از مـاده و وجه فیزیکی و کالبـدی که با وجود آن که دیـده نمی شـوند، وجـود دارنـد، چرا که حس می شـوند، بـه ادراک در می آینـد، موجـد نگار ذهنـی می گردند و به صـور مختلـف توسـط مخاطـب بیان می شـوند. ایـن امر بیـش از هرچیـز بـه علـت وجـود رویدادهایـی اسـت که در آن فضـا واقـع بـوده و یـا هنـوز در جریـان هسـتند و اثـر خـود را بـا تولیـد، تعریـف و یـا هویت بخشـی بر فضا برجای گذشـته و بخـش جدایی ناپذیـری از آن ظـرف فضایی گشـته اند. «سـنفورد وینتـر» از دانـش واژه رویداد بـرای پرداختـن بـه «امـری فعـال»۲ و مسـتعد تبدیـل شـدن به چیزی نو اسـتفاده می نماید (زمـان فعال، مکان فعـال) (Kwinter, ۲۰۰۱: ۵). «هانجـو برِسِـم» اظهـار مـی‌دارد کـه در فضـای رخـدادی، هویـت اشـیا دیگر در شـکل خاص آن ها نهفته نیسـت، بلکه در ساختار فضایی آن ها، در موقعیت‌های نسـبی آن ها در یک زمینه فضایی ذاتـاً پویـا و پیچیده نهفتـه اسـت (Berressem, ۲۰۰۵: ۹۳). فضـا بـه رویـداد واکنـش نشـان داده و بـه واسـطه رویـداد تراديـس می شـود. رویـداد خـود را هم بـه عنوان عامل شـکل دهنده فضـا و هم به عنوان محصـول برآمده از فضا به اثبات رسـانیده اسـت که حامـی تعریف متقابل میـان یـک مکان و اعمالش اسـت. ایـن موضـوع، در روند طراحـی معماری اغلـب فراموش می شـود، چـرا که اکثر معمـاران بـه سـبب طبیعت رشـته خـود، به دنبـال حل مسـائل در قالب ارائه یک فرم و قالب شـکلی هسـتند. به همیـن دلیل، عنصـر هویت بخش و زندگی بخـش رویداد و چگونگـی فضامنـد شـدن آن، پایـه اصلی ایـن پژوهش را بـه خـود اختصـاص می دهـد. هـدف ایـن پژوهـش شناسـایی مولفه هـای موثـر در شـکل گیری رویدادهای زندگی بخـش و چگونگـی تبلـور آن در فضـای زیسـته اسـت. در ایـن راسـتا، در ابتدا پیشـینه مفهوم رویـداد در حوزه هـای مختلـف از جملـه علـم، هنر، ادبیات، فلسـفه مـورد مطالعـه قـرار گرفتـه و سـطوح مختلف برخـورد با این مفهوم در معماری شناسـایی گشـته اسـت. سپس از آنجـا که هـر رویداد در یـک ظرف فضایی واقع می شـود، ارتبـاط میـان فضـا، مـکان و رویـداد مـورد بررسـی قـرار گرفتـه و بـا تکیه بر مفهوم فضای زیسـته، بـه نحوه تبلور مفهـوم حیـات و زندگـی در فضـا و رابطـه آن بـا رویداد، در دو دسـته کلـی عـام و خـاص پرداختـه خواهـد شـد و در انتهـا، مولفه هـا موثـر در شـکل گیری رویدادهـای زندگی بخـش تحت سـه دسـته کلـی: ۱- ویژگی هـا، ۲- قابلیت هـا و در نهایـت ۳- فراهم آورنـده ی امکان ها مورد بررسـی قرار گرفته اسـت.

روش تحقیق

روش تحقیق این نوشـتار، روش کیفی اسـت که داده های خـود را بـا ارجـاع به عقایـد، ارزش هـا و رفتارها در بسـتر اجتماعـی دسـت نخورده به دسـت مـی آورد. (محمدپور، ۱۳۹۰، ص ۵۱) تحقیق کیفی در نقطه ی تمرکز خود چند روشـی است و متضمن رهیافت تفسیری- طبیعی گرایانه بـه موضـوع مورد مطالعه اسـت. ایـن به معنای آن اسـت کـه پژوهشـگران کیفـی، اشـیا را در محیط هـای طبیعی خـود مطالعـه کـرده و تـلاش می کننـد، پدیده هـا را بـر حسـب معنایی کـه افـراد به آن هـا می بخشـند، معنادار کرده و تفسـیر نمایند (Denzin&Lincoln, ۱۹۹۴: ۲). در روش کیفـی، مهم تریـن ابـزار گردآوری داده مشـاهده اسـت (حیـدری، ۱۳۹۵، ص ۱۵۵). در تحقیـق حاضـر، پژوهشـگر در ابتـدا بـا حضور در بسـتر وقـوع رویدادهای مختلـف، بـه یادداشـت برداری و ثبـت تصویـری مـوارد موثـر در تعریـف و زندگی بخشـی بـه رویدادهای مختلف پرداختـه و موازی با کار میدانـی، به مطالعه کتابخانه ای- اسـنادی نوشـته های معماران و نظریه پردازان حوزه های مختلـف در خصـوص زندگـی بخشـی بـه فضـا پرداخته اسـت. سـپس بـه منظـور تجزیـه و تحلیـل اطلاعـات و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-08]

جدول ۱. سطوح مختلف استفاده از رویداد در معماری؛ منبع: نگارندگان.

سطوح مختلف استفاده از رویداد در معماری	تعریف، هویت بخشی و وحدت بخشی به فضا، مکان و زمان	الکساندر (۱۳۹۰)، مَسی (۱۹۹۴)، کِیسی (۲۰۰۱)، وینتر (۲۰۰۱)، دوسرتو (۱۹۸۴)، فلامکی (۱۳۸۶)
	استفاده از رویداد به عنوان ابزار شناخت و تحلیل و طراحی فضا و تولید فرم	گائوستا (۲۰۰۳)، چومی (۲۰۰۰)، دریدا (۲۰۰۴)، دلوز (۲۰۰۳)؛ استفاده از تجربه فیلمیک در معماری: کوپ هیمل بلاء، ژان نوول، رم کولهاس
	بازآفرینی عنصر حیات در فضای معماری و شهری	ریچاردز و پالمر (۲۰۱۰)، لاندری (۱۹۹۶)، کویین (۲۰۰۵)، ایوانز (۲۰۰۳)

یافتن پارامترهای زندگی‌بخش به رویدادها از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در روش تحلیل محتوا، تفسیر ذهنی محتوای داده-های متنی از طریق فرآیند طبقه‌بندی منظم کدها و شناسایی تم‌ها و الگوها صورت می‌پذیرد (Hesse&Sharlene, ۲۰۰۵: ۱۲۷۸).

پیشینه‌تحقیق

واژه «رویداد» از ریشه لاتین eventus به معنای رخداد، اتفاق، تصادف و همانند آن نشأت گرفته و آغاز استفاده از آن به سال ۱۵۷۰ میلادی باز می‌گردد. رویداد به عنوان بخشی از یک روند بوده و منحصربه‌فردی آن ریشه در خاص بودن آن دارد. (Gausta et al. ۲۰۰۳: ۲۰۳). موضوع رویداد، با مطرح شدن نظریه فضا- زمان و پس از آن نظریه‌های نسبیت عام و خاص آلبرت انیشتین و ادغام سه بعد فضایی و یک بعد زمانی و ایجاد محیط پیوسته و درهم‌تنیده‌ی چهار بعدی اهمیت زیادی یافت. عناصر اصلی آن این محیط، رویدادها هستند. یک رویداد نقطه‌ای است که دارای مکانی خاص در زمانی خاص است و رخداد و موقعیت فیزیکی در ارتباط با آن تعریف می‌شود (French, ۱۹۶۸: ۸۶). مفهوم رویداد در حوزه‌های مختلف از جمله هنر، ادبیات، فلسفه و معماری نیز وارد شده است. با ظهور هنر پاپ، «محیط و رویداد» اهمیت خاصی در آفرینش هنری یافتند. این ویژگی هنرمندان را به تجربه‌ی بازآفرینی و تکثیر رویدادها و واقعیت‌های جاری و رایج در محیط و مصرف پدیده‌های فرهنگ عامه وا داشته و مفهومی تازه از هنر را مطرح می‌ساخت. برای خلق این مفهوم از صداها، محدوده‌های زمانی، حالت‌ها، احساسات و حتی بوی آکنده در محیط استفاده می‌شد (لوسی اسمیت، ۱۳۸۷، ص ۱۶۸). در آثار ادبی و به ویژه رمان‌های نوشته شده در قرن بیستم نیز شاهد اهمیت یافتن رویدادها هستیم. برای مثال، در رمان برجسته «در جستجوی زمان از دست رفته»۴ نوشته مارسل پروست۵ (نویسنده و مقاله‌نویس فرانسوی) روایت مداوم وجود نداشته و این رمان مبتنی بر لحظه‌هایی است که در آن‌ها، لایه‌ای از رویدادها در زمانی محسوس بیرون می‌ریزند. رمان پروست، با زمان بازی می‌کند (Forster, ۱۹۴۳: ۲۳۳). «مارسل پروست« سخت تحت تأثیر «هانری برگسون»۶ (فیلسوف فرانسوی)، که فرضیه‌هایش در خصوص زمان در خور توجه است، قرار داشت. «ژاک دریدا»۷ (فیلسوف فرانسوی) و «برنارد چومی»۸ (معمار فرانسوی) نیز هر دو به مکان «واقع شدن یک رویداد» و بعد موقتیِ تجربه در فضا علاقه‌مند هستند. (نسبیت، ۲۰۰۴، ص ۱۴۶). مفهوم رویداد در معماری به شکل‌های مختلفی بروز یافته است. در این زمینه با سه دسته کلی زیر روبه‌رو هستیم:

۱- استفاده از رویداد برای تعریف فضا و مکان/ هویت‌بخشی و وحدت بخشی به فضا و مکان

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عام رویداد، تعریف نمودن فضا است. فضا تا هنگامی که صفتی یا ویژگی خاصی بر آن متصور نشده-ایم، وجودی است آمورف،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-08]

همگـن و فاقـد نقطـه عطفـی کـه بـه آن هویت بخشـد. (فلامکـی، ۱۳۸۶، صـص ۱۳-۱۴). هـر فضـای معمـاری و فضـای شـهری بـه تناسـب خـود می تواند مـکان واقع شـدن رویدادهـا، در بازه هـای زمانـی متفاوتـی باشـد. در این زمینه با دو دسـته ی کلی از رویدادها روبه رو هستیم. دسـته اول رویدادهایـی هسـتند کـه در مکان هایی ثابت و در مـدت زمانـی طولانـی، بـه صورت الگویی پیوسـته و مـداوم تکـرار می شـوند و بـه تدریـج و در طـول زمـان، جزیـی از هویـت آن فضـا می شـوند، چراکـه هویـت هـر فضـا از تکـرار مسـتمر الگوهـای خاصـی از رویدادهـا در آن مـکان حاصـل می شـود (الکسـاندر، ۱۳۹۰، ص ۲۱). از جملـه ایـن رویدادهـا، می تـوان بـه رویدادهـای جاری فضاهـای طراحـی شـده بـرای عملکردهـای خـاص و معیـن اشـاره نمـود کـه در طول زمـان محمـل الگوهای رویـدادی مرتبط با عملکـرد خود می گردند. دسـته دوم، رویدادهایی هسـتند کـه بیش تر جنبه ی موقتی داشـته و در مکان هایـی مختلـف و در دوره-هـای زمانـی ثابـت یـا متغیـر قابل وقـوع هسـتند و از جملـه آن، می توان به برگزاری جشـنواره ها، کارناوال ها و سـیرک ها، سـان ها و رژه ها و حتـی یکسـری مراسـم اسـاطیری آیینی و سـنتی چون حرکت دسـته جات عـزاداری در ایام محـرم، تعزیه، رقص هـای محلـی و انـواع دیگـر آن اشـاره نمود.

۲- اسـتفاده از عنصـر رویـداد بـه عنـوان نقطـه آغـاز روند طراحـی و تولید فرم؛ اسـتفاده از آن به عنـوان ابـزار شـناخت و تحلیل فضا

پـروژه‌ای کـه بـر مبنـای رویدادهـا آغـاز می شـود، از حـوزه منحصـر بـه فـردی نشـأت می گیـرد. ایـن مـوارد منحصربه فـرد همان اندازه که وابسـته به «فضا» هسـتند به «زمان» نیز وابسـته اند (Gausta et al. ۲۰۰۳: ۲۰۳). برنارد چومی از جمله معمارانی اسـت کـه از عنصر رویداد در طراحـی خـود بهـره بـرده اسـت. وی معتقد اسـت که بایـد معمـاری را نه به مثابـه ی یک شـیء/ابژه (اثر)، بلکه بـه منزلـه-ی "تعامـل فضـا و رویدادهـا" دریافـت کنیم (نسـبیت،۲۰۰۴ ، ص ۱۵۰). نکتـه ی اصلـی در بحـث وی آن اسـت کـه کالبدهـا، فضـا را بـا حرکـت خـود بـه وجـود می آورنـد. برای مثـال، کارناوال هـا و نمایش هایی کـه بـرای گـروه کثیری از مـردم اجرا می شـوند، آشـکارا وضعیـت فضایـی متفاوتـی را در یـک خیابـان شـهری ایجـاد می کننـد (همـان منبـع، ص ۱۴۸). قیـاس میـان «معمـاری و سـینما» از جمله سـایر تلاش ها، بـرای وارد کـردن عنصر رویـداد در طراحـی معماری اسـت. چرا که هـم معمـاری و هـم سـینما، مبتنـی بـر انسـجام فضـا و زمان هسـتند (شـیرازی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰). در بسیاری از مـدارس معمـاری، فیلم ها به عنـوان منابع الهـام مطالعه شـده و معمارانی پیشـرو همچـون «برنارد چومـی»، «رم کواهـاس»۹، «کوپ هیمل بـلاء»۱۰ و «ژان نـوول»۱۱ از آن در رونـد طراحـی خـود اسـتفاده نموده انـد و اثـر آن را می تـوان در سـاختمان انسـتیتوی عـرب، «ژان نوول» و «پـارک لاویلت»برنـارد چومـی دنبـال نمـود (همـان منبع، ص ۱۰۹). سـابقه اسـتفاده از سـینما برای درک و تحلیـل فضاهای شـهری مـدرن، به اوایل قرن بیسـتم باز می گـردد که اندیشـمندانی چون «زیمـل»، «بنیامین»و «کراکائـر»، بـر اهمیـت فیلـم بـرای تفسـیر پدیده هـای فضایـی جهـان مـدرن تاکیـد می کردنـد (قهرمانـی و دیگـران، ۱۳۹۴، صـص ۵۴-۵۷).

۳- بازآفرینـی عنصـر حیات در فضـای معماری و شـهری از طریـق رویدادها

در ایـن حالـت، از رویدادهـا در راسـتای ایجـاد پویایـی بیش تـر در شـهرها و تبدیـل آن هـا بـه مکان هـای غنیِ قابل زیسـتن بـرای پاسـخگویی به طیـف گسـترده‌ای از اهـداف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی اسـتفاده می گردد. «رویدادمـداری»، اصلی تریـن عامل تحـرک در بازآفرینی شـهرها شـناخته می شـود، چـرا کـه رویدادهـا بسـیار منعطف تـر از اقسـام قطعی زیرسـاخت های فیزیکی بوده و توانایـی بیش تری در خلق اتمسـفر دارنـد (Richards and Palmer, ۲۰۱۰: ۱۶-۱۹). «بازآفرینـی شـهری فرهنـگ- مبنـا» بـر رویدادمـداری و ترویـج فعالیت های فرهنگـی همزمـان بـا احیاء و حفاظـت از میراث شـهری اسـت (Landry et al., ۱۹۹۶: ۹-۱۰) .حضـور هنـر در شـهر و برپایـی انـواع فسـتیوال های هنـری، راهبـردی فراتـر از اندیشـیدن راه حل هـای کوتاه مـدت بـرای رکود اقتصادی و مشـکلات اجتماعی شـهرها اسـت (Quinn,

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-08]

۲۰۰۵: ۹۲۷) با در نظر داشتن تمامی موارد فوق، نوشتار حاضر در پی شناسایی مولفه های موثر در شکل گیری رویدادهای زندگی بخشی است که در تولید، تعریف و هویت بخشی به فضای زیسته تأثیرگذار هستند.

مبانی نظری

فضا، مکان و رویداد

هر محتوای فضایی با یک شیوه زندگی، حضور و یک نحوه شناخت همراه است (شایگان، ۱۳۹۲، صص ۸۸-۸۹). هر الگوی فضایی با الگوی رویدادی همراه است که این الگوی جامع، فضا و رویداد در ارتباط باهم به واسطه ی فرهنگ شکل گرفته و انتقال می یابد (الکساندر، ۱۳۹۰، ص ۷۸) و هر شیوهٔ تولید اجتماعی، فضای ویژهٔ خود را بازتولید می کند (Lefebvre, ۱۹۹۱: ۳۱). همه ی این موارد نشان از وجود ارتباط متقابل میان رویداد و ظرف فضایی آن و اهمیت مطالعه این ارتباط دارد.

در تحلیل «میشل دوسرتو»فضا «مکانی مشمول تردد»، «محل برخورد اجسام متحرک» است. با استفاده از لفظ مکان، شخص دست کم به یک رخداد، به یک اسطوره (مکان معروف)، یا به یک تاریخ ارجاع می دهد. (همان منبع، ص ۱۰۲). این مکان ها دست کم دارای سه خصیصه مشترک هویت، ارتباط و تاریخ هستند. (همان منبع، صص ۷۱-۷۲) کریستین نوربرگ شولتز۱۸ کُنش‌ها را تنها در نسبت با مکان‌های خاص بامعنا می داند.(شولتز، ۱۳۹۳، ص ۲۲). «تیم کرِسوِل»۱۹ مکان ها را فضاهایی دانسته که توسط مردم معنادار شده‌اند. دوگانگی پایه‌ای میان فضا و مکان، با مطرح شدن ایده فضای اجتماعی هانری لفور، که دارای نقش مشابه مکان است، به چالش کشیده شد (Cresswell, ۲۰۰۴: ۷-۱۰). فضا از منظر لفور، نه تنها ظرفی منفعل و راکد نبوده، بلکه نبضی تپنده و زنده است. نقطهٔ عطف کار لفور این بود که توانست با نظریه‌ای فراگیر، وجوه گوناگون فیزیکی، ذهنی و اجتماعی فضا را به هم بیامیزد و در عین حال مرزهای تمایز آن ها را نیز حفظ کند.(امیری و رضاپور، ۱۳۹۱، ص ۱۵). در نظریهٔ لفور، فضا از سه بعد تشکیل شده است:

۱. **«فضای دریافته»**: پیش از هر چیز، فضا امری است محسوس که به یاری حواس می توان به درک و دریافت آن رسید. (Goonewardena and others, shmid in ۲۰۰۸: ۳۹)

۲. **«فضای انگاشته»**: به جنبه ی ذهنی فضا باز می گردد و دربردارنده ی تصورات و تصاویر ذهنی پیشین هر کنشگر پیرامون فضا است که برآمده از ویژگی های فرهنگی و اجتماعی کنشگران است (۳۴۶ Lefebrve,۱۹۹۱:).

۳. **«فضای زیسته»**: تجربه ی زیسته ی کنشگران در فضا است. این فضا نه بازنمایی شده است نه انگاشته شده، بلکه در مقایسه با فضای انتزاعی معماران و شهرسازان، فضای زندگی روزمره و فضایی واقعی است (ibid: ۵۳).

به این ترتیب، درک و دریافت فضا، به همراه تصورات و انگاره هایی که از فضا وجود دارند، در کنار تجربهٔ مستقیم زیستن و کنش در فضا، کلیتی را می سازند که فضا نامیده می شود. او برای تبیین نظریهٔ تولید فضا، از سه مفهوم عمل فضایی۲۳، بازنمایی فضایی۲۴و فضای بازنمایی شده۲۵ استفاده نمود که از میان، فضاهای بازنمودی مستقیماً از طریق تصاویر و نمادهای مرتبطش زنده بوده و یک هسته عاطفی داشته و کنش و موقعیت های زیسته را دربردارد؛ بنابراین فوراً به طور ضمنی زمان را می فهماند.

ادوارد سوجا۲۶ برمبنای تعریف لفور، فضا را برآیند روابط میان سوژها و ابژه ها (فضای زندگی) دانسته است (سوجا،۱۹۹۰، ص ۱۲۰). فضای زیسته در ادبیات پدیده شناسی، «فضایی وجودی» است که بر مبنای خاطره و تجربه ی فردی، گروهی و اجتماعی ساخته می شود که سازنده ی این همانی های جمعی است (شیرازی، ۱۳۹۱، ص ۵۳). «رِلف» معنای فضای زیسته را ناشی از مکان‌های وجودی و ادراکی می داند که بدون واسطه تجربه شده باشند (Relph, ۱۹۷۶: ۲۶). تمرکز این نوشتار بر تعریف هانری لفور و ادوارد سوجا از فضای زیسته است، چرا که به این ترتیب فضا، مکان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-08]

و زندگـی در ارتبـاط بـا یکدیگر تعریف شـده و می توانند به عنـوان ظـرف فضایی رویـداد واقع شـوند.

در تعریـف «دورین مَسِـی»۲۷ از رویـداد، هـر دو امـکان آفرینش/تعریـف فضـا و زمـان بـه امـر رویـدادی نسـبت داده شـده اسـت (Massey, ۱۹۹۴: ۲۶۳). از نظر «ادوارد کِیسـی»۲۸ «رویـداد را می‌تـوان بـه منزلـه فضایـی-زمانی‌سـازی یـک مـکان تلقـی کـرد» (Casey, ۲۰۰۱: ۳۳۹). وی قـدرت مـکان را در گردهـم‌آوری هریـک از زندگی‌هـا و چیزهـا، بـا فضـا و زمـان خـاص خودشـان در عرصه‌ای از روابـط مشـترک می‌دانـد (Casey, ۲۰۰۹: ۳۲۹). بـا درنظـر گرفتـن رویـداد بـه عنـوان جزء تشـکیل‌دهنده مـکان و گشـایش فضـا بـه سـمت زمان، فضا دسـتخوش «ترادیسـی»۲۹ و «تغییرشـکل»۳۰ قرار می‌گیـرد. بـه ایـن ترتیـب، فضـا تنهـا تنظیم‌کننـده‌ی رویدادهـا و روندها نبـوده، بلکه آن‌هـا را با یکدیگر همراه می‌کنـد (Grosz, ۲۰۰۱: ۱۱۶-۱۱۹). بـه بیـان دیگـر، روابـط پیچیـده میـان رویدادهـا، عامـل شـکل‌دهنده‌ی مکان‌هـای مختلف بـوده و جغرافیاهـای متنـوع و ظاهراً نامرتبـط بـا هـم، از طریـق رویدادهـا بـا یکدیگـر تلاقـی یافتـه و همدیگـر را تعریـف می‌کننـد.

نحـوه تبلـور مفهوم حیـات و زندگـی در فضـا و رابطه آن بـا رویداد

مفهـوم زندگی و حیـات در درجه اول بـا حرکت در طول فضـا، گذر زمـان و تغییرات ایجاد شـده به واسـطه‌ی آن، درک می‌شـود. اگـر فـرد، بـا عبـور از داخل فضاهـا، یا در عبـور از یک مسـیر، فضاهای مختلف از یکدیگـر را ادراک نمـوده و بتوانـد آن‌هـا را مرتبـط با یکدیگر تلقـی نماید، توالـی فضایی معنا خواهد یافت (پاکـزاد، ۱۳۸۶، ص ۶۷). بـه علاوه، هـر حرکتی احتیاج به زمـان دارد. بـدون زمان مـا قـادر بـه درک حرکـت نیسـتیم (گروتـر، ۱۳۹۳، ص ۳۲۵). گـذر زمـان و به تبع آن تغییـرات رخ‌داده در طول زمـان، در ذات خود دارای پویایی هسـتند. محیط زیسـت طبیعی و انسان‌سـاز ما دائم در تغییر اسـت. این تغییرات ممکـن اسـت عینـی و یا تنها ادراکی باشـد. زمـان نیز در ذات خـود دارای حرکـت اسـت. بـه ایـن ترتیـب می‌توان گفـت کـه عنصر رویـداد به واسـطه‌ی وابسـتگی خود به زمـان و حرکـت، بـه صـورت عـام دارای حیات اسـت. اما پدیـده حیـات و ارتبـاط آن بـا رویـداد، از زوایـای دیگری نیز قابل بررسـی اسـت. یکی از بهترین تعاریـف از حیات، توسـط کریسـتوفر الکسـاندر ارائه شـده که در دو بسـتر حیـات از منظـر شـکلی- سـاختاری و حیـات از منظـر الگوهـای جـاری در فضـا، قابـل ردیابـی اسـت. وی در کتاب «سرشـت نظـم»۳۱ خود، بیان می‌کنـد که حیات مفهومـی مکانیکـی و محدود نبـوده و کیفیتی اسـت که در ذات فضـا نهفتـه اسـت (الکسـاندر، ۱۳۹۲a، ص ۳۰). منظـور وی از حیـات، بـه معنـای جامـع آن، چـه از نظـر شـکلی، هندسـی، سـاختاری، اجتماعی و زیست‌شناسی اسـت. (همـان منبـع، ص ۴۹). از نظـر او، حیات کیفیتی اسـت کـه از طریـق وجـود سـاختاری متمایـز و قابـل تشـخیص در کلیـت رخ می‌دهـد. (همـان منبـع، ص ۸۱). الکسـاندر در کتـاب «راه بی‌زمان سـاختن»۳۲ زنده بـودن هـر بنـا یا شـهری را منـوط به التـزام آن بـه راهی بی‌زمـان و شـناخت کیفیـت بی‌نـام می‌داند کـه مبنای اصلـی حیات و روح هر انسـان، شـهر، بنـا، یا طبیعت بکر اسـت (الکسـاندر، ۱۳۹۰، ص ۲۱). به علاوه، وی در کتاب «زبـان الگـو»۳۳ توجـه خود را بـر مفهوم الگوهـا [مرکب از فضـا و رویـداد] متمرکـز سـاخته، امـا آن را بیش‌تـر برحسـب عملکرد تا هندسـه توصیـف می‌کند. (شـولتز، ۱۳۹۳، ص ۱۳). بـه ایـن ترتیب، به حیات الگوهای جاری در فضـا و نحـوه تحقـق آن می‌پـردازد. همان‌گونـه کـه در بخـش قبـل اشـاره شـد، تولیدات هـر جامعـه برآمده از شـرایط اجتماعـی و فرهنگـی خـاص آن‌ها اسـت، چرا کـه به گفتـه ادوارد تی‌هـال، فرهنگ در اعماق سیسـتم عصبـی فـرد نفـوذ کـرده و تعیین‌کننـده نحـوه ادراک او از جهـان اسـت (تی‌هـال، ۱۳۸۷، ص ۲۲۲). بـه ایـن ترتیـب، تولیدات هر جامعـه‌ای می‌توانـد دارای مرتبه‌ای از حیات از منظر معنایی- مفهومی، در تناسـبِ با شـرایط فرهنگـی- اجتماعـی آن جامعـه باشـد. در ایـن سـطح از حیـات، اهمیت مخاطـب و نحـوه درک او از جهان مطرح می‌گـردد. میـزان حضـور گروه‌های مختلـف اجتماعی و میـزان اسـتفاده مـداوم شـهروندان از فضـا نیـز می‌تواند، منجـر به مرتبـه‌ای از حیات از منظر تنوع زیسـتی گردد

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-08]

جدول ۲: سطوح مختلف حیات قابل مطالعه در خصوص رویدادها؛ منبع: نگارندگان.

سطوح مختلف حیات	عام	زمان، حرکت، تغییر و پویایی	تأکید بر عنصر حرکت به عنوان عامل شکل دهنده ی فضا و زمینه ساز ایجاد ساختار تجربیات پشت سر هم و توالی فضایی؛ نقش عنصر زمان و گذر آن در شکل گیری عنصر حرکت و پویایی و زمینه ساز شکل گیری تغییرات در پدیده ها؛ اهمیت موضوع روند و حرکت تدریجی
	خاص	شکلی-ساختاری	حیات به عنوان کیفیت نهفته در ذات فضا به واسطه ی وجود ساختاری متمایز و قابل تشخیص در کلیت آن؛ وجود مرتبه ای از حیات در هر شیء؛ وجود مولفه های هندسی موثر در شکل گیری عنصر حیات در ساختارهای طبیعی و غیرطبیعی
		الگوهای جاری در فضا	اهمیت مفهوم الگوها [مرکب از فضا و رویداد] و بیش تر تمرکز بر مفهوم عملکرد
		معنایی-مفهومی	اهمیت نقش فرهنگ و پیشینه فرهنگی کاربران و مخاطبین هر فضا؛ ارتباط متقابل میان محتوای فضایی با شیوه زندگی و حضور در هر جامعه؛ تولیدات هر جامعه برآمده از شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص آن ها
		زیستی	حضور گروه های مختلف اجتماعی و رده های مختلف سنی از کودک تا سالمند و استفاده مداوم شهروندان از فضا؛ سرزندگی و پویایی اجتماعی؛ امکان مشارکت در زندگی اجتماعی

و هرچه این میزان بیش تر شود، پویایی و سرزندگی آن فضا افزایش خواهد یافت (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶). به این ترتیب، سطوح مختلف حیات در خصوص یک رویداد و همچنین ظرف فضایی تحقق آن به شکل زیر خواهد بود:

هر رویداد، به تناسب خود مرتبه ای از این موارد را دارا است و هرچه یک رویداد در سطوح مختلف از حیات بیش تری برخوردار باشد، غنی تر، پویاتر و تأثیرگذارتر خواهد بود. در این بین رویدادهایی وجود دارند که نه تنها خود دارای حیات هستند، بلکه به ظرف فضایی خود نیز زندگی می بخشند. بنابراین نکته حائز اهمیت شناسایی مولفه های موثر در شکل گیری رویدادهای زندگی بخش بوده و تحت سه عنوان ویژگی ها، قابلیت ها و فراهم آوردن امکان ها مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته ها: مولفه های موثر در شکل گیری رویدادهای زندگی بخش

۱-ویژگی ها

۱-۱- وابسته به روند طبیعی زندگی روزمره و آزادیِ فضاییِ آن

رویدادهای زندگی بخش بیش از هر چیز با روند طبیعی زندگی عادی و روزمره و آزادیِ فضاییِ آن در ارتباط هستند. زیبایی در چیزهای طبیعی پدیدار می شود، در چیزهایی که به طور طبیعی تکامل یافته اند و حامل هیچ نشانه و پیامی نیستند. (زومتور، a۱۳۹۴، ص ۳۵). آنچه در دنیای ما بهترین حیات به نظر می رسد، حیاتی است که از تلاش های ساده و طبیعی ما، از حرکات ناشی از احساسات مان و از احساس ما از لذت و آزادی نشأت گرفته و ژرف و تکان دهنده است. (تصویر ۱) اغلب خیلی معمولی اند.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-08]

تصویر ۱. بازی کودکانه، نمودی از رویداهای روزمره؛ مأخذ: National Geografic

با این حال دارای انسجامی ساده و حیات‌بنیان هستند که با طراحی آفریده نشده، بلکه محصول روندهای کوچکی برآمده از یک روند زنده است.(الکساندر، b۱۳۹۲، صص ۱۶۳-۱۶۴). همچنین، زندگی روزمره در یک بستر فضایی همچون فضاهای شهری و فضاهای معماری واقع می شود، یعنی فضایی که شهروندان هرروز به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در طول راه، از منزل تا محل کار ادراک می شود. (پاکزاد، ۱۳۷۶، ص ۳۲). کسی که در یک شهر زندگی می‌کند، دارای یک رابطه فضایی و زمانی تکرارشونده و متعارف با شهر دارد (فکوهی، ۱۳۹۱، صص ۳۳۲-۳۳۳). هانری لفور فضا را از یک سو تجربه ی تاریخی و ازسویی دیگر تجربه ی زندگی روزمره ی آدمیان دانسته است. (فکوهی،۱۳۸۳، ص ۲۳۲).

از نظر پیتر زومتور معماری ساحت وجودی خود را داشته و در یک رابطه ی مادی خاص با زندگی قرار دارد. (تصویر ۲) در تصور او، معماری در درجه اول نه پیام است و نه نشانه، بلکه پوشش و پس زمینه‌ای است برای امور و رخدادهای جاریِ زندگی (زومتور، a۱۳۹۴، ص ۱۷). از نظر او، معماری در معرض زندگی قرار دارد. اگر کالبدش به قدر کافی حساس باشد، می تواند کیفیتی را پدید آورد که بر واقعیت زندگی گذشته شهادت دهد. ایجاد شهر زنده نیز فقط از طریق روندی ممکن است که طی آن، مردمی که خود جزئی از آن اند، الگوها را بی آفرینند و نگهداری کنند. شهر یا بنا نیز جریان مدام روندهاست. (الکساندر، ۱۳۹۰، صص ۳۰۶-۳۰۸).

۱-۲-تنوع

پیش از این در خصوص مراتب حیات خاص سخن گفته شد. هریک از این موارد تولیدکننده ی شکل ها و ساختارها، الگوها و عملکردها، معناها و مفهوم های متنوعی بوده و گروه های اجتماعی و سنی مختلفی را مخاطب قرار می دهند. به این ترتیب، به واسطه سطوح مختلف مراتب حیات، با تنوع های شکلی- ساختاری، الگوهای جاری، عملکردی، معنایی-مفهومی و تنوع های زیستی روبه رو خواهیم بود که همه این ها در کنار یکدیگر، تولیدکننده ی تنوع های فضایی خواهند بود.

۱-۳-اتمسفر تأثیرگذار

رویدادهای زندگی بخش، به فضا اتمسفری تأثیرگذار می بخشند؛ اتمسفری که ما را فرا می گیرد و از حضور ساده چیزها آکنده است. (تصویر ۳) به علاوه، میان اتمسفر یک فضا و تصویر ذهنی ما از آن فضا پیوند وجود دارد. در این زمینه زومتور چنین نوشته است: به معماری که فکر می کنم، تصاویر در خاطرم زنده می شوند. چنین خاطراتی دربردارنده عمیق ترین تجربه های معمارانه‌ای هستند که من سراغ دارم؛

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-08]

تصویر ۲. نمودی از رویداهای روزمره؛ مأخذ: www.mulpix.com

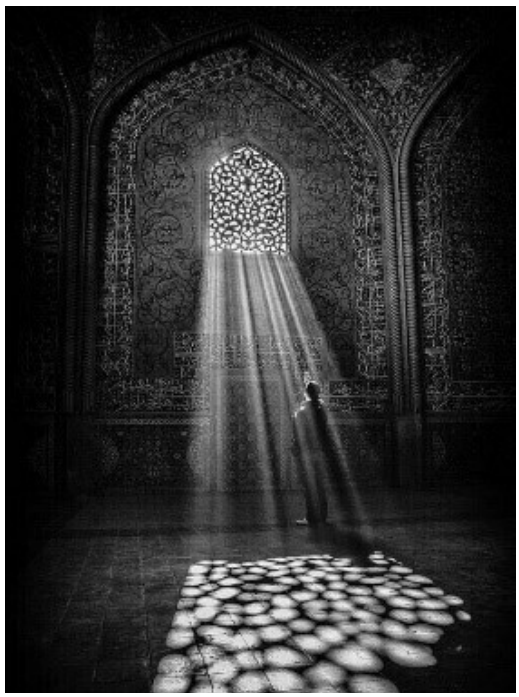

تصویر ۳. بارش نور در فضای داخلی مسجد، نمودی از اتمسفر تأثیرگذار؛ مأخذ: www.pinterest.com

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

ذخایری غنی از تصویرها و اتمسفرها (زومتور، ۱۳۹۴a، صص ۱۳-۱۴).

۱-۴-شکل دهنده به زنجیره‌ای از کنش‌ها و معانی سازمان یافته در یک کل

تصور ورود به یک بنا، حتی به یک ساختمان یا یک کلبه ساده، زنجیره‌ای از کنش‌ها را ایجاد می‌کند که کمتر از یک عمل زبانی، بیان، گزاره یا زنجیره‌ای از جملات پیچیده نیست. به بناها نباید نه به عنوان مجموعه‌ای از نمادها و نه زنجیره‌ای از نشانه‌ها نگریست. یک بنا نه یک اُبژه و نه انباشتی از اُبژه‌های متنوع است. یک چنین فضایی با آنچه ممکن است در آنجا روی دهد و نتیجتاً با آنچه ممکن است در آنجا اتفاق نیفتد، تعریف می‌شود. وضعیت صوتی، حرکات حرکتی و آیینی، عناصر، زنجیره‌های معناها و... همگی در یک کل عظیم سازمان‌دهی می‌شوند. (لفور، ۱۳۹۱، صص ۲۷۹-۲۸۰).

۱-۵-دربردارنده ی تداعی ها و نمادها

بسیاری از نظریه‌پردازان نشان داده‌اند که فضاهای ایده‌آل نقشی محوری در مفهوم‌سازی مکان ایفا می‌کنند رویدادهای جاری خاطرات را به یاد می‌آورند. «ناگهان، بر حسب تصادف، تقارن یک احساس واقعی معین و یک احساس معین پیشین، یادآوری خاطرات را رقم می‌زند. خاطرات فراموش شده مجدداً بازمی‌گردند. در نتیجه به مدد حافظه، زمان از دست نمی‌رود و چنانچه زمان از دست نرود، فضا نیز از دست نمی‌رود.» (Poulet, ۱۹۷۷: ۵۷-۵۸) با این حال، همان طور که «جولیا برونو۳۴» در روند به یادآوری مثال می‌زند، فضا می‌تواند رویداد را به خوبی تعریف کند، چراکه حافظه منبعث از تجربه روایی، متحرک و معمارانه از محل است (Bruno, ۲۰۰۷: ۱۷).

۱-۶-به مثابه جزیی از جامعه

فرد بالغ در زندگی‌اش چیزی را کشف خواهد کرد که فرهنگ، تربیت، کتاب‌ها و سنتش به او آموخته‌اند که در آن زندگی بیابد. رابطه‌ای که با خودم برقرار می کنم، همواره به وساطت فرهنگی و زبانی شکل می گیرد که از بیرون دریافت کرده‌ایم. (مرلوپونتی،۱۳۹۴، ص ۷۸).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-08]

تصویر ۴: رقص های محلی، رویداد بومی؛ مأخذ: شهبازی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۶.

رویدادهایی که شخصیت منحصر به فرد شهرها را بدان‌ها می‌بخشند، برآمده از متن زندگی مردم هر جامعه بوده و حتی در برخی از موارد، تنها برای افراد آن جامعه و یا افراد یک حیطه جغرافیایی مشخص دارای معنی است. (تصویر ۴).

۲-قابلیت‌ها

۲-۱-قابلیت دربرگیرندگی و هم‌افزایی

رویدادهای زندگی‌بخش قابلیت دربرگیرندگی و هم‌افزایی دارند. هم‌افزایی زمانی رخ می‌دهد که نتیجه کنش (اثر) دو یا چند ماده بر یکدیگر، از جمع اثراتِ یکایک آن مواد بیشتر باشد (رابینز، ۱۳۸۱، ص ۴۸۹). ژاکوب لوی مورنو۳۶ معتقد است که واقعیت زندگی انسان، جنبه کنش و واکنش میان افراد است و آنچه که حاصل این تعاملات اجتماعی و روابط بین فردی است، نتایجی به بار می‌آورد که از جمله آن‌ها، هم‌افزایی است. البته علت آن را نمی‌توان صرفاً با تعداد و کثرت جمعیت توجیه کرد، بلکه برای بروز خود نیازمند شرایط زیر است:

۱- داشتن هدف مشترک؛

۲- وجود تعامل و داشتن هویت ارزشی و فرهنگی مشترک (رضاییان، ۱۳۸۱، ص ۲۱۹)؛

۳- ویژگی های خاص تعیین کننده ی قوانین اجتماعی گروه؛

۴- روح ناشی از تعاملات و واکنش های رو به تصاعدی که بر اثر وحدت نظر و اشتراک در یک هدف واحد مرتباً افزایش می‌یابد و نتایجی به بار می‌آورد که افراد در تنهایی هرگز قادر به انجام آن نیستند.

۵- انسجام گروهی (رابینز، ۱۳۸۱، ص ۵۱۹).

رویدادهای زندگی‌بخش قادر به گردهم آوردی زمان ها، مکان ها، فضاهای گوناگون و در مقیاس های مختلف است. به علاوه، از آنجا که یک رویداد همچون یک جریان و شار انرژی عمل می نماید، قادر به دربرگیرندگی قطعات همگن و ناهمگن در ارتباط با جریان خود خواهد بود.

۲-۲-قابلیت انسجام بخشی

در شکل گیری رویداد عوامل مختلف گرد هم می آیند و در همکاری با یکدیگر یک رویداد در ظرفی فضایی واقع می شود و با آن در تعاملی دوسویه قرار می گیرد. همه این موارد نشان از قابلیت انسجام بخشی به یک مجموعه از اشکال، ساختارها، الگوها، عملکردها و معانی و مفاهیم دارد که به واسطه یک رویداد، گرد هم آمده و در کنار یکدیگر و با همکاری هم زمینه وقوع آن را فراهم می-آورند. به قول زومتور، همه چیز با یکدیگر جور است، حیرت انگیز، غافل گیرکننده و طبیعی، مثل دست انسان (زومتور، ۱۳۹۴a، ص ۸۳).

۲-۳-قابلیت رشد

رشد شهر نه زاده ذهن یک نفر است و نه زاده یک گروه منسجم از اذهان. شهر زاده میلیون ها میلیون فعالیت منفرد ساختمانی است (الکساندر، ۱۳۹۰، ص ۴۳۲). از آنجا که رویدادهای زندگی‌بخش و وابسته به روند طبیعی زندگی روزمره افراد است، بنابراین یک نفر مولف آن نبوده و این رویدادها قابلیت رشد و توسعه در زمان ها و مکان های مختلف و توسط افراد مختلف را می بایست دارا باشند. به علاوه رویداد به واسطه ذات خود قابلیت قرارگیری و تکرار در ظرف ها با مقیاس های مختلفی را دارند. در واقع، زندگی، روح و سیستمی زنده و مجموعه‌ای از الگوی رویدادهای همجوار و در تعامل با یکدیگر است که در هر یک رویدادهای مشخصی بارها و بارها تکرار می شود.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-08]

تصویر ۵. تکیه تجریش در دهه محرم، نمودی از مکان شکل گرفته به واسطه یک رویداد؛ مأخذ: نگارندگان.

(همـان منبـع، ص ۶۲).

۲-۴-قابلیت مکان سازی

آن گونـه کـه قبـلاً اشـاره شـد، رویدادهـا می تواننـد هـر دو امـکان آفرینش/تعریـف فضـا و زمـان را در پی داشـته و بـه فضـا هویـت داده و آن را مکان منـد نماینـد. در صورتیکـه یک فضـا پذیرا بـوده و قابلیـت تطبیق پذیری و انعطاف پذیـری داشـته باشـد، در آن صـورت می توانـد دربرگیرنـده رویدادهـای گوناگونـی گردد. (تصویـر ۵) در ایـن میـان، نکتـه حائز اهمیـت در خصـوص رویدادها آن اسـت کـه در هـر فضایی قـرار بگیرنـد، آن فضـا را به یک «جـا» تبدیل کـرده و دارای خاصیت مکانـی می گردانند. چرا که مشـخصه مـکان بنابر تعریف مـارک اوژه، به دلیل تلفیقـی کـه از هویـت و رابطه به دسـت می دهـد، وجود یـک ثبـات حداقـل اسـت و از زمانی که چنین می شـود، مـکان ضرورتـاً بـه امـری تاریخـی بـدل می گـردد. (اوژه، ۱۳۸۷، ص ۷۴).

۳-فراهم نمودن امکان ها

۳-۱-فراهـم نمودن امکان حضور فعـال گروه های اجتماعـی و سـنی مختلـف و برقـراری تعامـلات اجتماعی

اهمیـت واقعـی شـهر، در نـوع تعامـل مردمـش با محیط نهفتـه اسـت. تعامـل مـردم بـر ادراکشـان و البتـه ادراک ایشـان بر تعامل شـان تأثیر می گذارد (بانـدز، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴). در توضیـح حیـات از منظر زیسـتی به این موضوع بـه صـورت کامل پرداخته شـد. به صـورت خلاصه، هدف اصلـی افزایش میزان حضور و اسـتفاده مداوم شـهروندان از فضـا، افزایـش پویایـی و سـرزندگی شـهری، برقـراری تعامـل میـان گروه هـای مختلـف اجتماعی و سـنی و به دنبال آن ایجاد همکاری و مشـارکت اجتماعی به واسـطه رویدادهـای زندگی بخـش اسـت.

۳-۲-فراهـم نمودن امکان حضـور فعالانه ی بدن و کالبـد انسـانی بـه عنـوان واسـط میـان دنیای ذهنـی و عینی

آگاهـی انسـان، آگاهـی تجسـدیافته و مبتنی بـر حواس اسـت. (تصویـر ۶) همان گونـه کـه ژان پـل سـارتر ادعـا می کنـد: «ادراک کیفیتـی کـه از بیـرون به وجود انسـان تزریـق گردد، نیسـت؛ بلکـه روش خاصی از بودن انسـان اسـت». (پالاسـماa، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۸) ادراک کـردن، بـدن داشـتن اسـت و بـدن داشـتن، سـکونت در جهان اسـت. (کارمـن،۱۳۹۰: ۳۹). بـدن بخشـی از دسـتگاه حافظـۀ ماسـت. (Cassey, ۲۰۰۰: ۱۴۸) کِیسـی به نقش بدن در عمـلِ به‌خاطرسـپاری اشـاره می کند: «حافظـۀ تن کانون طبیعی هر دریافت حسـیِ به‌خاطرسـپاری و بـه یادآوری اسـت». (Ibid: ۱۷۲) همچنیـن از نظـر وی بـه واسـطه بدن هـا اسـت که شـخصیت مکان هـا فرهنگـی می گردد و در دیـدگاه او «واژه میانـی مابیـن مـکان و خود» همان ریخـت بـدن۳۸ اسـت. در فعالیت فرهنگـی، ریخت بدن را می تـوان بـه عنـوان منظور مـا بـرای ایجـاد رویدادها و بـه واسـطه ی آن، مکان ها تلقـی کـرد. (Cassey, ۲۰۰۹: ۶۸۶)

۳-۳-فراهـم نمـودن امـکان اسـتفاده فعالانه از عنصـر حرکت بـرای شـکل دهی بـه فضا

عامـل حرکـت خـود می توانـد شـکل دهنده بـه فضـا باشـد. در حـرکات سـازمان‌یافته، یعنـی حـرکات آیینـی شـده و رمـزی شـده، بدن‌هـا خودشـان فضاهـا را ایجـاد می کننـد. (تصویـر ۷) همچنیـن، قلمـرو حرکتـی خُـرد روزمـره فضاهـای خـودش را ایجـاد می کند (بـرای مثال، پیاده‌روهـا، راهروهـا، مکان‌های غذاخـوری)، و همین‌طور قلمـرو حرکتی کلان بسـیار رسـمی فضاهای خـودش را بـه وجـود مـی‌آورد (بـرای مثـال دالان‌هـای کلیسـاهای

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-08]

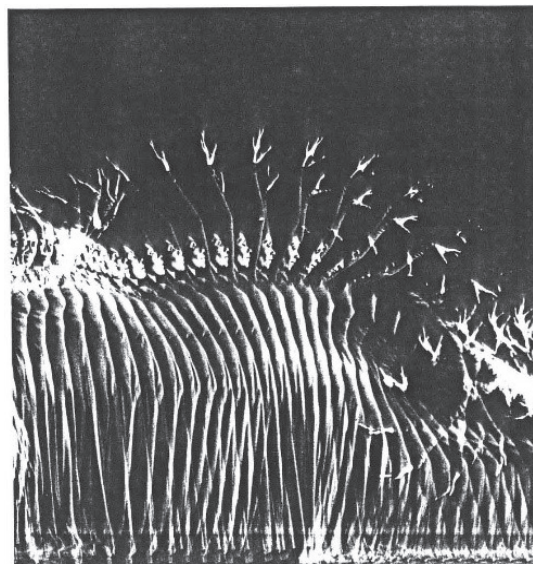

تصویر ۷. نگاشتی از رقص سماع، نمودی از تعریف فضا به واسطه عنصر حرکت؛ مأخذ: www.musicema.com

تصویر ۸. بازار روز سبزی و میوه، فضایی با ادراک چند وجهی؛ مأخذ: it.www.mole۲۴

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

مسیحی یا سکوها). وقتی که یک فضای حرکتی با مفهومی از جهان با نظام نمادین خود پیوند می‌خورد، نتیجه‌اش ممکن است یک آفرینش بزرگ باشد (لفور، ۱۳۹۱، صص ۲۷۱-۲۷۲). پیتر زومتور نیز فکر کردن به نحوه‌ی حرکت مردم در ساختمان و قطب‌های موجود در مکانی را یکی از پارامترهای مهم طراحی می‌داند. از نظر وی هنر ظریفی از فریفتن وجود دارد، تا مردم را وادار به حرکت کند و این به قدرت معمار بستگی دارد (زومتور، b۱۳۹۴، ص ۵۵).

۳-۴-فراهم نمودن امکان ادراک حسی

فضایِ جهان به ادراک درآمده فضای واحد «عقل غیرمتجسد» نیست، بلکه همچون فضای مادی، حائز نواحی و مناطق متفاوتی است که انتظارات ما از اشیایی که در آن‌ها می‌یابیم به آن نواحی و مناطق ساختار می‌بخشند (مرلوپونتی، ۱۳۹۴، ص ۲۶). هر کیفیت با کیفیاتی در ارتباط است که به سایر حواس پیوند خورده‌اند. زیبایی به واسطه‌ی ادراک حسی دریافت می‌شود. عقل در این میان نقش چندانی ندارد. به

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-08]

جدول ۳. مولفه های موثر در شکل گیری رویدادهای زندگی بخش؛ منبع: نگارندگان.

مولفه‌های موثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی‌بخش	ویژگی‌ها	**وابسته به روند طبیعی زندگی روزمره و آزادیِ فضاییِ آن**	تکوین به صورت طبیعی، بی‌ادعا، ژرف، تکان‌دهنده، دارای انسجامی ساده و حیات‌بنیان، محصول روندهای کوچک و زنده، غیرقابل پیش‌بینی، زاینده و پویا، آزادی، سازگاری، تعامل با شرایط محیطی، نوعی آگاهی از گذر زمان و دریافتی از زندگیِ انسان
		تنوع	تنوع‌های شکلی- ساختاری، الگوهای جاری، عملکردی، معنایی-مفهومی و تنوع‌های زیستی همه این‌ها در کنار یکدیگر، تولیدکننده‌ی تنوع‌های فضایی
		اتمسفر تأثیرگذار	دارای حال‌وهوای خاص، آکنده از حضور ساده‌ی چیزها، دارای غنای محیطی، وجود پیوند میان اتمسفر یک فضا و تصویر ذهنی ما از آن ، خلق اتمسفر مبتنی بر حس مشترک
		شکل‌دهنده به زنجیره‌ای از کنش‌ها و معانی	تعریف فضا از طریق رویدادهای واقع شده و واقع نشده در آن، وجود زنجیره‌های معنایی و نمود آن‌ها در قالب وضعیت صوتی، حرکات، چشم-اندازها، گروه‌های عناصر و ...
		دربردارنده‌ی تداعی‌ها و نمادها	رویدادهای جاری زمینه‌ساز یادآوری خاطرات پیشین، از دست نرفتن زمان و فضای پیشین، حافظه منبعث از تجربه روایی، متحرک و معمارانه از محل
		به مثابه جزیی از جامعه	وابستگی به فرهنگ، زبان، رویاها و آرزوهای برآمده از جامعه، برآمده از محیط، در ارتباط با مناسک، آداب‌ورسوم و افسانه‌های بومی و محلی، دارای معنی برای افراد آن جامعه
	قابلیت‌ها	**دربرگیرندگی و هم-افزایی**	نتیجه بیش‌تر از حاصل جمع اثراتِ یکایک دو یا چند ماده، اثر مضاعف، هم‌کنشی، وقوع به دلیل وجود هدف و هویت ارزشی و فرهنگی مشترک، ویژگی‌های خاص و انسجام
		انسجام‌بخشی	گردهم‌آوری عوامل مختلف دربردارنده‌ی اشکال، ساختارها، الگوها، عملکردها و معانی و مفاهیم توسط رویداد در قالب یک کلیت واحد، وابسته‌سازی عوامل به یکدیگر
		رشد	قابلیت رشد و توسعه در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و توسط افراد مختلف، قرارگیری و تکرار در ظرف‌های فضایی با مقیاس‌های مختلف، انرژی و تأثیرگذاری بیش‌تر آن‌ها
		مکان‌سازی	آفرینش/تعریف فضا و زمان، مکان‌مند نمودن فضا از طریق هویت‌بخشی، ارتباط یابی و وابستگی به تاریخ
	فراهم نمودن امکان‌ها	**حضور فعال گروه‌های اجتماعی و سنی مختلف**	افزایش میزان استفاده مداوم شهروندان از فضا، افزایش سرزندگی شهری، برقراری تعامل اجتماعی میان گروه‌های مختلف اجتماعی و سنی، ایجاد همکاری و مشارکت اجتماعی
		حضور فعال بدن و کالبد انسانی (واسط میان دنیای ذهنی و عینی)	تن انسان به عنوان موجودیتی شناسا، بدن به عنوان بخشی از دستگاه حافظه و نقش آن در عملِ به‌خاطرسپاری. بدن‌ها به عنوان واسط میان مکان و خود

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-08]

		استفاده فعالانه از عنصر حرکت برای شکل‌دهی به فضا	تولید فضا به واسطه‌ی حرکت بدن‌ها، ریتم‌بخشی به فضاها به واسطه‌ی تکرار حرکات در داخل آن‌ها، تولید فضای ویژه‌ی هر نوع قلمروی حرکتی، طراحی سکانس‌های حرکتی
		ادراک حسی	وجود کیفیات متعدد در خصوص یک تجربه، پیوند میان هر کیفیت با کیفیاتی در ارتباط با حواس، وجود ارتباط میان احساسات و اشیای پیرامون، ادراک چندحسی
		ادراک چندوجهی	هم‌افزایی حاصل از حضور فعالانه‌ی بدن ، استفاده فعالانه از عنصر حرکت و ادراک حسی به همراه ویژگی‌ها و قابلیت‌های رویدادهای زندگی‌بخش در قالب یک کلیت واحد

اعتقاد زومتور، ما آن زیبایی را که محصول فرهنگ ما و همخوان با تربیت‌مان است، آناً تشخیص می-دهیم، چراکه با شکل یا ترکیبی مواجه می‌شویم که در قالب نمادی متراکم شده و بسیاری از صفات شگرف و تأثیرگذار را در یک جا در خود جمع کرده است: بدیهی، طبیعی، آرام، باوقار، رازآمیز، ژرف، محرک، مهیج، دلهره‌آور... بین احساسات ما و چیزهای پیرامونمان رابطه‌ای دوسویه برقرار است (زومتور، ۱۳۹۴a، ص ۹۴). شهر نیز با مشارکت حواس و به‌واسطه‌ی کالبدمان دریافت می‌شود. تفاوت شهرها، تفاوت در ادراک چندحسی آن‌ها است (شیرازی، ۱۳۹۱، ص ۸۲).

۳-۵-فراهم نمودن امکان ادراک چندوجهی

منظور از ادراک چندوجهی هم‌افزایی حاصل از حضور فعالانه‌ی بدن و کالبد انسانی، استفاده فعالانه از عنصر حرکت و ادراک حسی به همراه ویژگی‌ها و قابلیت‌های برشمرده شده برای رویدادهای زندگی‌بخش در قالب یک کلیت است. (تصویر ۸) هانری لفور در جایی از کتاب تولید فضای خود، استفاده از فضای عظیم کلیسای جامع را دربرگیرنده پاسخ همه‌ی پرسش‌های بازدیدکنندگان کلیسا عنوان داشته است؛ زیرا بازدیدکنندگان باید از صدای پایشان آگاه باشند و به سروصداهایی و به آوازهایی گوش بدهند، آن‌ها باید هوایی انباشته از دود کُندر استشمام کنند، و در دنیای خاصی غرق شوند، آن‌ها بهره‌ای از یک ایدئولوژی خواهند داشت، آن‌ها به نمادهای اطرافشان خیره شده و آن‌ها را رمزگشایی خواهند کرد، و بنابراین آن‌ها، براساس بدن‌های خودشان، کل بودن را در یک فضای کل تجربه خواهند کرد (لفور، ۱۳۹۱، ص ۲۷۶).

نتیجه گیری و جمعبندی

این نوشتار در پی شناسایی مولفه‌های موثر در شکل گیری رویدادهای زندگی بخش و چگونگی تبلور آن در فضای زیسته بوده است. این شناخت می تواند در فهم فضای معماری، ورای کالبد فیزیکی و به مثابه محیطی انسانی موثر واقع شده و ابعاد دیگری از فضا را ارائه نماید که اغلب در روند طراحی مورد غفلت قرار می گیرد. به بیانی دیگر، شاید تغییرات ظاهری (فرم)، واقعی تر و قابل درک تر به نظر برسند، اما تغییرات حقیقی بطنی و بطئی بوده و در طول یک روند زمانی، به تدریج و آرام به وقوع می پیوندند، گویی جزئی از روند طبیعی بوده و هم راستا، هم نوا و همسازگار با آن عمل می نمایند. همچنین، از آنجا که رویدادها و ظرف فضایی تحقق آن ها در ارتباطی دوسویه نسبت به یکدیگر قرار می گیرند، نیاز به پژوهش بیش تر در خصوص شناسایی ظرف مکانی و زمانی مناسب تحقق این رویدادها خواهد بود، تا از طریق برآیند شناسایی رویدادهای زندگی بخش و ظرف وقوع آن، روند تولید این رویدادها و چگونگی تکرار آن ها مورد مطالعه قرار گیرد. در اینجا به اختصار، یافته های این پژوهش ارائه می شود.

منابع و ماخذ

۱- اوژه، مارک. (۱۳۸۷). نامکان‌ها: درآمدی بر انسان‌شناسی سوپرمدرنیته. ترجمه منوچهر فرهومند، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۲- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۲a). سرشت نظم،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-08]

ساختارهای زنده در معماری. جلد اول: پدیده حیات. چاپ دوم. ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری، تهران: انتشارات پرهام نقش.
۳- الکساندر، کریستوفر. (b۱۳۹۲). سرشت نظم. جلد دوم: فرآیند آفرینش حیات. ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری، تهران: انتشارات پرهام نقش.
۴- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۰). معماری و راز جاودانگی (راه بی زمان ساختن). ترجمه مهرداد قیومی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۵- امیری، نادر و رضاپور، آرش. (۱۳۹۱). "هنری لفور و تولید اجتماعی فضا". فصلنامه علمی و ترویجی جامعه، فرهنگ و رسانه، شماره۴، ص۱-۱۷.
۶- باندز، مایکل. (۱۳۹۰). نظریه اجتماعی شهری. ترجمه رحمت الله صدیق سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۶). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. چاپ دوم. تهران: انتشارات شهیدی.
۸- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۷۶). "طراحی شهری چیست". مجله آبادی ویژه طراحی شهری. سال هفتم، شماره۲۵، ص ۳۰-۳۶
۹- پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۲). دست متفکر. ترجمه علی اکبری. تهران: انتشارات پرهام نقش.
۱۰- تی هال، ادوارد. (۱۳۸۷). بعد پنهان. چاپ چهارم. ترجمه منوچهر طبیبیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱- حیدری، شاهین، (۱۳۹۵). درآمدی بر روش تحقیق در معماری. چاپ سوم. تهران: فکرنو.
۱۲- رابینز، استیفن پی. (۱۳۸۱). مبانی مدیریت. چاپ چهارم، جلد ۲، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۳- رضائیان، علی. (۱۳۸۱). مبانی مدیریت رفتار سازمانی. چاپ سوم .تهران: سمت
۱۴- زومتور، پیتر. (a۱۳۹۴). معماری اندیشی. چاپ سوم. ترجمه علی رضا شلویری، تهران: انتشارات حرفه هنرمند.
۱۵- زومتور، پیتر. (b۱۳۹۴). اتمسفر. ترجمه علی اکبری، تهران: انتشارات پرهام‌نقش.
۱۶- شایگان، داریوش. (۱۳۹۴). در جستجوی فضاهای گمشده درمعماری. تهران: فرزان.
۱۷- شهبازی، مژگان. (۱۳۹۰). ایران نگین پر فروغ. تهران: خانه فرهنگ و هنر گویا.
۱۸- شیرازی، محمدرضا. (۱۳۹۱). معماری حواس و پدیدارشناسی ظریف یوهانی پلاسما. تهران: انتشارات رخ‌داد نو.
۱۹- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۶). ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری. چاپ دوم، تهران: نشر فضا .
۲۰- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۱). فرهنگ و زندگی روزمره. تهران: نشر فرهنگ جاوید.
۲۱- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری. تهران: نشر نی.
۲۲- قهرمانی، محمدباقر و پیراوی ونک، مرضیه و مظاهریان، حامد و صیاد، علیرضا. (۱۳۹۴). "ارتباط تعاملی فضاهای سینمایی و فضای شهری معاصر". نشریه هنرهای زیبا- هنرهای نمایشی و موسیقی. دوره ۲۰، شماره ۲/ پاییز و زمستان۹۴، ص ۴۹-۶۰
۲۳- کارمن، تیلور. (۱۳۹۰). مرلوپونتی. ترجمه: مسعود علیا. تهران: نشر ققنوس.
۲۴- گروتر، یورک. (۱۳۹۳). زیبایی‌شناسی در معماری. چاپ دوم. ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۵- لفور، هانری. (۱۳۹۱). تولید فضا. ترجمه محمود عبدالله‌زاده، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
۲۶- لوسی اسمیت، ادوارد. (۱۳۸۷). آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم. چاپ هشتم. ترجمه علی‌رضا سمیع‌آذر. تهران: موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر.
۲۷- مرلوپونتی، موریس. (۱۳۹۱). جهان ادراک. ترجمه فرزاد جابرالانصار، تهران: انتشارات ققنوس.
۲۸- محمدپور، احمد. (۱۳۹۰)، روش تحقیق کیفی ضد روش. جلد اول و دوم، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-08]

۲۹- نسبیت، کیت. (۱۳۸۹). نظریه های پسامدرن در معماری. چاپ سوم. ترجمه محمدرضا شیرازی. تهران : نی.
۳۰- نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۹۳). وجود، فضا و معماری. ترجمه ویدا نوروزبرازجانی، تهران: پرهام نقش.
31- Adams, S. (2009). An introduction to space-time physics. London: Taylor & Francis.
32- Berressem, Hanjo. (2005). Multiplicity: Foldings in Architectural and Literary Landscapes. In Benesch, K. and Schmidt, K. (Eds.). Space in America: Theory, history, culture. Amsterdam: Rodopi.
33- Bruno, Giuliana. (2007). Haptic Space: Film and the Geography of Modernity. In Marcus, A. and Neumann, D. (Eds.). Visualizing the City. London and NewYork: Routledge.
34- Casey, E. (2009). Getting back into place: Toward a renewed understanding of the place-world. Bloomington: Indiana University Press.
35- Casey, E. (2001). "Between Geography and Philosophy: What does it mean to be in the Place-World?"Annals of the Association of American Geographers, 91 (4), pp. 683-93.
36- Casey, E. (2000). Remembering: A Phenomenological Study. Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.
37- Cresswell, Tim. (2004). Place, A Short Introduction. Malden: Blackwell publishing.
38- Denzin, N. and Yvonna, S. L. (1994). The Sage Hand book of Qualitative Research. Second Edition, London: Sage Publication.
39- Forster, E. (1943). "Our Second Greatest Novel?" Two Cheers for Democracy, ed. Oliver Stallybrass (Harmondsworth: Penguin Books, 1976), pp. 231-35.
40- French, A.P. (1968). Special Relativity. London: Taylor & Francis.
41- Gausta, M. et al. (2003). The Metapolis Dictionary of Advanced Architecture. Barcelona: ACTAR.
42- Goonewardena, K, Kipfer, S, Milgrom, R, Schmid, C. (2008). Space, Difference, Everyday life. London: Routledge.
43- Grosz, Elizabeth. (2001). Architecture from the outside: Essays on virtual and real space. Cambridge: MIT Press.
44- Hesse, B. & Sharlen, N. & Patritia, L.L. (2005). The Practice of Qualitative Research. London: Sag Publications.
45- Kwinter, S. (2001). Architectures of time: Toward a theory of the event in modernist culture. Cambridge: MIT Press.
46- Landry, Ch., Greene, L., Matarasso, F. and Bianchini, F. (1996). The Art of Regeneration: Urban Renewal through Cultural Activity. London: Demos.
47- Lefebvre, Henri. (1991). The Production of Space. Translated by Donald Nicholson Smith. Oxford: Blackwell publishers.
48- Massey, Doreen. (1994). Space, place, and gender. Minneapolis: University of Minnesota Press.
49- Merleau-Ponty, Morris. (1962). The phenomenology of perception. Translated by Colin Smith. London: Routledge & Kegan Paul.
50- Pizarro, R.E. (2011). Urban Design and Cinematic Arts, in Companion to Urban Design. Edited by Tridib Banerjee and Anastasia Loukaitou-Sideris, London & New York: Routledge.
51- Poulet, Georges. (1977). Proustian space. Baltimore: Johns Hopkins University Press,
52- Quinn, B. (2005). "Arts Festivals and the City, Urban Studies". Vol. 42, No. 5-6, pp. 927-943.
53- Rai-Pi Huang, Emily. (1991). "Body in Space". Unpublished MA thesis. University of florida: Florida, The United States.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-08]

54- Relph, E. C. (1976). Place and Placelessness. London: Pion.
55- Richards, G. and Palmer, R. (2010). Eventful Cities: Cultural Management and Urban Revitalisation. Oxford: Elsevier.
56- Soja, Edward. (1990). Postmodern Geographies, the Reassertion of Space in Critical Social Theory. Second Edition. London: verso.

پی‌نوشت‌ها

1-Sanford Kwinter/ 2-Active/ 3-Hanjo Berressem/ 4-À la recherche du temps perdu/ 5- Marcel Proust/ 6-Henri Bergson/ 7-Jacques Derrida/ 8-Bernard Tschumi/ 9-Rem Koolhaas/ 10-Coop Himmelblau/ 11- Jean Nouvel/ 12- La Villette Park/ 13-Georg Simmel/ 14-Walter Benjamin/ 15- Siegfried Kracauer/ 16-Eventfulness/ / 17- Michel De Certeau/ 18-Christian Norberg-Schulz/ 19-Tim Cresswell/ 20-Perceived space/ 21-Conceived space/ 22-Lived space/ 23-Spatial practice/ 24-The Representation of Space/ 25-Space Of Representation/ 26-Edward Soja/ 27-Doreen Massey/ 28- Edward Casey/ 29-Transformation/ 30-Refiguring /31- The Nature of Order/ 32-The Timeless Way of Building/ 33-The Pattern Language/ 34- Giuliana Bruno/ 35-Synergy/ 36-Jacob L. Moreno/ 37-Placemaking/ 38-Habitus.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-08]

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-10-08]